



بررسی موانع و مشکلات کارآفرینی در تعاونی ها و عوامل مؤثر بر آن

مطالعه موردی: تعاونی های کشاورزی فارس

ابوذر روستا، سید نعمت اله موسوی^۱
rostaabozar@gmail.com

چکیده

با توجه به جایگاه خطیر بخش تعاون در ایجاد فرصت های مناسب برای کسب و کارهای کوچک و متوسط در سرتاسر کشور به نظر می رسد این بخش می تواند از طریق آموزش ها و مهارت های تعاونی و اشاعه فرهنگ تعاون و همکاری گروهی، نقش اساسی در توسعه کارآفرینی خلاق در سطح کشور و استان ایفا نماید. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر تقویت و توسعه کارآفرینی در تعاونی های تولیدی کشاورزی فارس است. برای رسیدن به این هدف از روش تحقیق الگوی لاجیت استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه اعضای هیأت مدیره و اعضاء شرکت تعاونی های تولیدی کشاورزی جامعه شامل ۳۰۰ نفر هستند که به صورت سرشماری در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بررسی شده اند. ابزار تحقیق، پرسشنامه ای بود که روایی آن بر اساس نظر گروهی از متخصصان تأیید شد و برای تعیین میزان پایایی مقیاس اصلی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در شرکت های تعاونی تولید کشاورزی با استفاده از الگوی لاجیت مشخص شد نتایج نشان داد که میزان سن، میزان تحصیلات، درآمد، تعداد سهام، تجربه قبلی در زمینه کارآفرینی، سابقه فعالیت در شرکت های تعاونی، آگاهی و آشنایی با کارآفرینی و برگزاری کلاس های توسعه و مهارت بر توسعه کارآفرینی تاثیر معنی داری دارند که از بین متغیرها به جز میزان سن که رابطه معکوس دارد سایر متغیرها رابطه مستقیم با توسعه کارآفرینی دارند.

طبقه بندی JEL: E۰۲, G۱۱, D۰۱, D۸۲

کلمات کلیدی: کارآفرینی، توسعه، تعاونی تولید کشاورزی، لاجیت

مقدمه

۱- به ترتیب دانشجوی دکتری و استاد گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

بنابر بررسی های به عمل آمده و بر اساس آمارهای موجود، یکی از مهمترین مشکلات فراروی جوامع در حال توسعه و حتی کشورهای صنعتی، مشکل بیکاری است. رفع معضل بیکاری، ایجاد و تقویت راهکارهای اشتغال زایی و خوداشتغالی و حرکت به سمت توسعه جامعه، نیاز به کارآفرینی را دو چندان کرده است (هرندی زاده، ۱۳۸۹).

بخش کشاورزی یکی از مهمترین بخش های اقتصادی کشور به شمار می رود که شامل درصد چشم گیری از تولید ناخالص داخلی است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، بخش کشاورزی به عنوان یک بخش بالنده موجب رشد و تعالی سایر بخش ها و به حرکت درآمدن کل اقتصاد شده است (احمدپور داریانی و همکاران، ۱۳۹۰). کارآفرینی کشاورزی ماهیتا با کارآفرینی در محیط های شهری تفاوتی ندارد. امروزه کارآفرینی کشاورزی، بخش مکمل اقتصاد است و فعالیت های کارآفرینانه، پاسخی به رکود و مشکلات موجود در بخش کشاورزی است (دیمیانسون و اسکیرس، ۱۹۹۶). طی دهه گذشته در اروپا، توسعه کارآفرینی کشاورزی یکی از سیاست های مورد توجه برای افزایش ارزش تولیدات کشاورزی بوده است. بنابراین تجدید ساختار بخش کشاورزی در نتیجه تغییر در سیاست های ملی و بین المللی، تقاضا برای فعالیتهای کارآفرینانه در بین کشاورزان را افزایش داده است (بورچ و فورسمن، ۲۰۰۱).

در عین حال کارآفرینی در بخش کشاورزی با مشکلات و محدودیت های بسیاری هم روبه روست؛ مسائلی از قبیل خرد شدن اراضی و غیراقتصادی بودن بهره برداری ها، نداشتن سرمایه کافی و امکانات تولید، از مهمترین آنها محسوب می شود. از طرفی دیگر، تعاونی های موجود در بخش کشاورزی، در صورت داشتن برنامه ریزی دقیق، ایجاد اصلاحاتی در ساختار آنها و سایر سیاست های حمایتی می توانند در انسجام بخشی به فعالیت ها، متحد کردن کشاورزان و کاربرد فناوری های نوین، توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی و در نهایت اقتصادی کردن تولیدات کشاورزی، نقش عمدهای داشته باشند (گل محمدی، ۱۳۸۶). میتوان گفت توسعه شرکت های تعاونی تولید، زمانی می تواند به ایجاد اشتغال پایدار و توسعه آن کمک کند که ماهیتی کارآفرینانه داشته باشد. با توسعه کارآفرینی در زمینه های تخصصی مختلف در قالب شرکت های تعاونی، زمینه برای گسترش کارآفرینی به دست خود افراد فراهم می شود. توسعه کارآفرینی برای توسعه شرکت های تعاونی تولیدی در بخش کشاورزی در جذب و تبدیل ایده ها، ابتکارات و نوآوری های فارغ التحصیلان بخش کشاورزی در تعاونی ها مثمر ثمر بوده و نقطه آغازی برای ایجاد کسب و کارهای پایدار و تشکیل تعاونی های موفق خواهد بود. بنابراین، بررسی سطح توسعه کارآفرینی تعاونی های شهرستان مروشت واقع در استان فارس در چند دهه اخیر، شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی و بررسی چگونگی توسعه کارآفرینی از طریق بخش تعاونی، سوالاتی است که محققان در پژوهش حاضر به دنبال بررسی آنها هستند.

جمشیدی و همکاران (۱۳۹۴)، طی تحقیقبررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونیهای تولید کشاورزی شهرستان مینودشت را انجام دادند که نتایج نشان داد متوسط نمره کل کارآفرینی جامعه مورد مطالعه معادل ۲/۵۸۵ به دست آمد که بیشتر افراد ۶۲/۸ در طبقه خیلی ضعیف و ضعیف قرار داشتند. بنابراین میتوان عنوان کرد که میزان توسعه کارآفرینی در تعاونی های موردنظر در حد پایین تر از حد متوسط است. همچنین برای شناسایی عوامل مؤثر بر

توسعه کارآفرینی در شرکت های تعاونی تولید کشاورزی با استفاده از رگرسیون چندمتغیره مشخص شد که متغیرهای سطح تحصیلات، تعداد سهام، تجربه قبلی در زمینه کارآفرینی، میزان درآمد و سابقه فعالیت در شرکت تعاونی تولید کشاورزی، تأثیر مثبت بر متغیر وابسته میزان کارآفرینی تعاونی های تولید کشاورزی در منطقه مورد مطالعه دارد.

اعظمی و همکاران (۱۳۹۳) توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی ها را با تبیین ویژگی های تعاونی های کارآفرین، با مروری بر عوامل تأثیرگذار بر فرایند کارآفرینی در شرکت های تعاونی، راهکارهای عملیاتی مناسبی برای شکل گیری و توسعه کارآفرینی در شرکت های تعاونی مورد بررسی قرار دادند که از جمله این راهکار ها می توان به اصلاح ساختار نهادی شرکت های تعاونی، فرهنگ سازی در راستای توسعه کارآفرینی، آشناسازی اعضاء و ارکان تعاونی ها با مقوله کارآفرینی در تعاونی و تبیین راهکارهای انگیزشی برای توسعه کارآفرینی در تعاونی ها، اشاره کرد. هیسریچ و پیترز (۲۰۰۲)، کارآفرینی را فرایند خلق هر چیز نو و باارزش، با صرف وقت و تلاش با فرض همراه داشتن خطرات مالی، روحی و اجتماعی و به دست آوردن پاداش های مالی و رضایت فردی و استقلالی که از آن ناشی می شود، تعریف کرده اند.

هوارد (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر توسعه قابلیت های کارآفرینی (استقلال طلبی، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، اعتماد به نفس و خلاقیت) بر کارآفرینی در پی هدف تعیین میزان تأثیر این قابلیتها بر کارآفرینی در بین دانش آموزان بوده است. پژوهش به روش پیمایشی و جامعه آماری ۴۵۰ نفر از دانش آموز بوده و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بوده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین استقلال طلبی، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، اعتماد به نفس و خلاقیت دانش آموزان و میزان کارآفرینی رابطه وجود دارد.

مواد و روش ها

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی، از نظر میزان و درجه کنترل، میدانی و از لحاظ نحوه جمع آوری اطلاعات نیز از نوع تحقیقات توصیفی و غیر تجربی (غیر آزمایشی) خواهد بود. در این تحقیق از روش تحقیق توصیفی برای دستیابی به اهداف بهره گرفته شده است. شهرستان مرودشت واقع در استان فارس، قلمرو مکانی این تحقیق را تشکیل می دهد. در این پژوهش هیأت مدیره و مدیر عامل تعاونی های فعال کشاورزی مرودشت که حداقل دو سال سابقه کار دارند، به عنوان جامعه آماری انتخاب خواهند شد. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه خواهد بود. برای بررسی پایایی ابزار مورد تحقیق مطالعه ای با سی پرسشنامه به عنوان یک مطالعه مقدماتی انجام خواهد شد. سپس بر مبنای نتایج، تغییرات لازم در پرسشنامه یادشده صورت خواهد گرفت همچنین در این پژوهش از روش آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی استفاده خواهد شد.

در بررسی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی تعاونی ها تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی بوده که با پیمایش انجام گرفت. به کمک روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای در هر روستا از میان کشاورزان شهرستان مرودشت به طور کاملا



تصادفی انتخاب شد و مورد مصاحبه قرار گرفتند. تعداد نمونه مورد استفاده در مطالعه با استفاده از یک پیش آزمون در میان ۳۰ کشاورز و فرمول کوکران به شرح زیر محاسبه گردید:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} \quad (1)$$

N حجم جامعه آماری t برای جامعه بالاتر از ۱۲۰ در سطح ۵٪ = ۱/۹۶، S انحراف معیار مربوط به پرسش شکل مشارکت در میان ۳۰ پرسشنامه پیش آزمون = ۰/۵۵، d دقت احتمالی مطلوب محقق = ۰/۱ می باشد؛ ضریب α کرونباخ^۲ برآورده شده پرسشنامه مطالعه ($\alpha = ۰/۸۸$) حاکی از اعتبار^۳ بالای آن می باشد. متغیر وابسته در این تحقیق عبارت از توسعه کارآفرینی تعاونی ها می باشد. متغیرهای مستقل دربرگیرنده میزان سن، سطح تحصیلات، درآمد، تعداد سهام، تجربه قبلی در زمینه کارآفرینی، سابقه فعالیت در شرکت های تعاونی، آگاهی و آشنایی با کارآفرینی و برگزاری کلاس های توسعه و مهارت که بر ای کمی نمودن این متغیرها از طیف لیکرت استفاده شده است.

مدل احتمالی لاجیت از توزیع های نرمال و لاجستیک بهره گرفته و مقادیر احتمال پیش بینی شده، بین صفر و یک واقع می شود. برای بررسی اینکه چه عواملی احتمال انتخاب یک گزینه (توسعه کارآفرینی) را تحت تأثیر قرار می دهند، فرض می شود که متوسط مطلوبیت بدست آمده از یک انتخاب (توسعه یا عدم توسعه) به صفات آن انتخاب که برای افراد مختلف متفاوت است، بستگی دارد. اگر مطلوبیت بدست آمده از هر انتخاب را به عنوان متوسط مطلوبیت بعلاوه یک جزء اختلال تصادفی تعریف نمائیم

و واریانس متغیر تصادفی لاجستیک برابر $\delta^2 = \frac{2\pi^2}{3}$ می باشد. توزیع لاجستیک به توزیع نرمال نزدیک است و کار کردن با آن راحت می باشد. چنانچه توزیع لاجستیک را انتخاب نمائیم، به مدل آماری که از آن بدست می آید مدل لاجیت اطلاق می شود. با توجه به اینکه توابع توزیع نرمال استاندارد و لاجستیک متقارن هستند احتمال عدم انتخاب یک گزینه (مشارکت یا عدم مشارکت) نیز با استفاده از رابطه زیر بدست می آید:

$$F(-t) = 1 - F(t) \quad (2)$$

و لذا می توانیم رابطه (احتمال) را بصورت زیر بازنویسی نمائیم:

$$P_i = \Pr(e_i^* > -X_i^*\beta) = 1 - \Pr(e_i^* < -X_i^*\beta) = 1 - F(-X_i^*\beta) = F(X_i^*\beta) \quad (3)$$

^۲ - ضریب آلفای کرونباخ به منظور ارزیابی پایایی پرسشنامه به کار برده می شود.

^۳ validity.



اگر X_i به عنوان متغیر مستقل و Y_i تمایل توسعه به عنوان متغیر وابسته باشد که Y_i به دو گروه $Y=1$ اگر کشاورز نسبت به توسعه تمایل داشته باشد و $Y=0$ اگر کشاورز نسبت به توسعه تمایل نداشته باشد، در چنین مدل های که در آن Y_i به دو گروه تقسیم می شود از مدل لاجیت استفاده می شود. اگر مدل زیر را در نظر بگیریم:

$$P_i = E(Y = 1) = \frac{1}{1 + e^{-(\beta_1 + \beta_2 X)_i}} \quad (۴)$$

که e پایه لگاریتم طبیعی می باشد. برای راحتی بحث معادله بالا به شکل معادله پایین بازنویسی می شود:

$$P_i = \frac{1}{1 + e^{-Z_i}} \quad (۵)$$

که در آن $Z_i = \beta_1 + \beta_2 X_i$ است. معادله بالا تحت عنوان تابع توزیع تجمیعی لوجستیک معروف شده است. همچنانکه ملاحظه می شود P_i نه تنها بر حسب X بلکه بر حسب β ها نیز غیر خطی است. این امر به این معنی است که روش معمول OLS دیگر برای تخمین پارامترهای مدل مذکور قابل کاربرد نیست. اما به راحتی می توان رابطه مذکور را به صورت رابطه زیر که در آن رابطه خطی بر حسب پارامترها وجود دارد تبدیل نمود. اگر P_i یعنی احتمال تمایل به مشارکت در مدیریت به وسیله رابطه (۳-۴) بیان شده باشد، در اینصورت (۴) P_i که احتمال عدم مشارکت است؛ به قرار زیر است:

$$1 - P_i = \frac{1}{1 + e^{-Z_i}} \quad (۶)$$

بنابراین داریم:

$$\frac{P_i}{1 - P_i} = \frac{1 + e^{Z_i}}{1 + e^{-Z_i}} = e^{Z_i} \quad (۷)$$

حال به طور ساده $\frac{P_i}{1-P_i}$ نسبت احتمال حادثه مورد نظر بر آلترناتیو آن است که در اینجا بیانگر میزان برتری احتمال وقوع تمایل توسعه بر عدم آن است. حال چنانچه از رابطه (۷) لگاریتم طبیعی بگیریم، نتیجه جالب توجه زیر بدست می آید:

$$L_i = \ln \left(\frac{P_i}{1-P_i} \right) = Z_i = \beta_1 + \beta_7 + X_i \quad (۸)$$

فرمول نهایی نشان می دهد که L لگاریتم نسبت برتری یا مزیت است، نه تنها بر حسب X بلکه بر حسب پارامتر نیز خطی است. در بالا L بنام لاجیت معروف است و اسم مدل لاجیت به مدل بالا اطلاق می شود. در رابطه بالا، β (ضریب زاویه) میزان تغییر در L را به ازاء یک واحد تغییر در X یا به عبارت دیگر میزان تغییر در لگاریتم نسبت برتری یا مزیت (تمایل به توسعه) را به ازاء یک واحد تغییر در متغیر مستقل اندازه می گیرد.

مدل رگرسیونی که در این مطالعه مورد استفاده قرار می گیرد به صورت زیر است:

$$y = \alpha + \beta_1 x_1 + \beta_7 x_7 + \beta_8 x_8 + \beta_9 x_9 + \beta_{10} x_{10} + \beta_{11} x_{11} + \beta_{12} x_{12} + \beta_{13} x_{13} + \beta_{14} x_{14} + \beta_{15} x_{15} + u_i \quad (۹)$$

که u متغیر وابسته بوده و تمایل توسعه کارآفرینی را نشان می دهد اگر فرد بردار فرآیند را تمایل داشته باشد، متغیر وابسته یک خواهد بود و اگر تمایل نداشته باشد، متغیر وابسته مقدار صفر اختیار می کند. و همچنین β ضرایب برآورد شده عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی می باشد و X عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی می باشد که به شرح زیر است:

سن، سطح تحصیلات، درآمد، تعداد سهام، تجربه قبلی در زمینه کارآفرینی، سابقه فعالیت در شرکت های تعاونی، آگاهی و آشنایی با کارآفرینی و برگزاری کلاس های توسعه و مهارت می باشد.

نتایج

عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی های تولید کشاورزی شهرستان مرودشت

در ادامه به منظورشناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی ها از الگوی لاجیت بهره گرفته شد این مدل با استفاده از روش حداکثر راستنمایی برآورد گردید. برای این منظور متغیرهای سن، تحصیلات، تعداد سهام، تجربه قبلی در زمینه کارآفرینی، میزان درآمد، سابقه فعالیت در شرکت های تعاونی، آگاهی و آشنایی با کارآفرینی و برگزاری کلاس های توسعه و مهارت در الگوی لاجیت مد نظر قرار گرفت. در نهایت با توجه به سطح معنی داری



متغیرها و بحث هم خطی متغیرها، مدل نهایی انتخاب و مورد برازش قرار گرفت که نتایج مربوطه در جدول (۳) آمده است.

درصد پیش بینی صحیح الگوی برآورد شده نیز بالغ بر ۸۹ درصد است و از آنجا که مقدار قابل قبول درصد پیش بینی صحیح برای الگوهای لاجیت و پروبیت برابر با ۷۰ درصد می باشد، مقدار درصد پیش بینی صحیح به دست آمده در این الگو رقم مطلوبی را نشان می دهد. بنابراین، الگوی فوق قابل اطمینان برای تجزیه و تحلیل های بعدی است.

جدول (۳): عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی های تولید کشاورزی (برآورد الگوی مدل لاجیت)

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	اثر نهایی
عرض از مبدا	۳/۴۹۸	۴/۵۴۴	۰/۷۶۹	-
میزان سن	-۰/۵۹۱***	۰/۱۳۳	-۴/۴۳۳	-۰/۰۰۰۹
میزان تحصیلات	۲/۵۵۸***	۰/۷۷۸	۳/۲۸۴	۰/۰۰۳
درآمد	۱/۶۷۰*	۰/۶۵۳	۲/۵۵۳	۰/۰۰۲
تعداد سهام	۲/۰۴۳**	۰/۷۵۱	۲/۷۱۹	۰/۰۰۳
تجربه قبلی در زمینه کارآفرینی	۱/۶۷۸*	۰/۹۵۹	۱/۷۵۹	۰/۰۰۲
سابقه فعالیت در شرکت های تعاونی	۳/۹۵۳**	۱/۶۷۱	۲/۳۶۴	۰/۰۰۶
آگاهی و آشنایی با کارآفرینی	۳/۷۴۳**	۱/۵۷۲	۲/۳۸۰	۰/۰۰۵
برگزاری کلاس های توسعه و مهارت	۵/۶۲۲**	۱/۸۹۲	۲/۹۷۰	۰/۰۰۸

Factor for the calculation of marginal effects = ۰/۰۰۱۰۳۴۹

Mean of ACC = ۰/۶۹۳۳۳

Mean of fitted ACC = ۰/۷۰۰۰۰

Goodness of fit = ۰/۹۸۰۰۰

Pesaran-Timmermann test statistic = ۱۶/۰۳۰۶[۰،۰۰۰]

Pseudo-R-Squared = ۰/۸۹۲۴۸

*مأخذ: یافته های تحقیق

با استفاده از نتایج مدل رگرسیونی می توان دریافت که متغیر سن در سطح ۱ درصد با علامت منفی معنی دار شده است. هرچه سن بیش تر باشد، تمایل افراد نسبت به توسعه کارآفرینی کم تر است. به عبارت دیگر، کشاورزان جوانتر و با سن پایین تر تمایل بیشتری نسبت به توسعه کارآفرینی دارند. در واقع تاثیرگذاری منفی سن مهر تاییدی است بر

این ادعا که افراد مسن تر ریسک‌گریزتر و افراد جوان تر ریسک‌پذیرتر هستند. نتیجه ضریب اثر نهایی نشان می‌دهد که یک سال افزایش در سن احتمال توسعه کارآفرینی را $0/09$ درصد کاهش می‌دهد. سطح تحصیلات از جمله متغیرهایی است که به لحاظ آماری معنی‌دار و تاثیر مثبت و معنی‌داری در سطح 1 درصد بر توسعه کارآفرینی بر افراد دارد. میزان اثر نهایی این متغیر برابر با $0/03$ می‌باشد که نشان می‌دهد که در صورت افزایش تحصیلات احتمال توسعه کارآفرینی را $0/3$ درصد افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، تمایل به توسعه کارآفرینی در میان افراد با سطح سواد بالاتر به دلیل آگاهی آنان از به کارگیری روش‌ها و شیوه‌های جدید و به کارگیری بالای خلاقیت‌های شخصی بیشتر است همچنین افزایش سطح تحصیلات، تمایل آنها در توسعه کارآفرینی افزایش می‌یابد که این خود بیانگر حساسیت افراد باسوادتر در رابطه با توسعه کارآفرینی می‌باشد. در این خصوص می‌توان گفت که ارائه فعالیت‌های ترویجی به کشاورزان با سوادتر می‌تواند افزایش میزان توسعه کارآفرینی را به همراه داشته باشد.

درآمد از جمله متغیرهایی است که مثبت و تاثیرگذار بر میزان احتمال توسعه کارآفرینی در سطح 10 درصد توسط افراد است. چرا که با افزایش سطح درآمد کشاورز، توانایی مالی برای تامین نهاده‌های مورد نظر و همچنین استفاده از مشاوره و خدمات تخصصی در زمینه کارآفرینی و نهایتاً ریسک‌پذیری افزایش یافته که این خود باعث افزایش تمایل برای توسعه کارآفرینی می‌شود. همچنین اثر نهایی برای این متغیر برابر با $0/02$ می‌باشد که نشان می‌دهد یک واحد افزایش در متغیر درآمد در شرایط ثبات سایر عوامل به $0/2$ درصد افزایش در احتمال توسعه کارآفرینی منجر خواهد شد.

یکی دیگر از متغیرهای مستقل دیگری تاثیر مثبت و معنی‌داری در سطح 5 درصد بر روی احتمال توسعه کارآفرینی داشته، تعداد سهام می‌باشد. هرچه تعداد سهام در تعاونی بیشتر باشد به نوعی ایجاد حس وظیفه و مسئولیت در پاسخگویان نسبت به تعاونی‌ها به وجود می‌آورد که آنها خود را در برابر میزان کارآفرینی آن متعهد و ملزم می‌دانند و افزایش احتمال توسعه کارآفرینی را به دنبال دارد. اثر نهایی برای این متغیر برابر با $0/03$ می‌باشد که نشان می‌دهد یک واحد افزایش در متغیر تعداد سهام در شرایط ثبات سایر عوامل به $0/3$ درصد افزایش در احتمال توسعه کارآفرینی منجر خواهد شد.

در رابطه با متغیر تجربه قبلی در زمینه کارآفرینی نیز نتایج نشان می‌دهد که تاثیر آن بر احتمال توسعه کارآفرینی مثبت است و از لحاظ آماری در سطح 10 درصد معنی‌دار شده است. در واقع هرچه تجربه در زمینه کارآفرینی بیشتر باشد در نتیجه احتمال توسعه کارآفرینی افزایش می‌یابد. ضریب برآوردی اثر نهایی نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در تجربه قبلی احتمال توسعه کارآفرینی را $0/2$ درصد افزایش می‌دهد.

همچنین نتایج نشان داد که سابقه فعالیت در شرکت‌های تعاونی با توسعه کارآفرینی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح 5 درصد دارد. با توجه به اثر نهایی میزان دانش فنی کشاورزان که برابر با $0/06$ می‌باشد، در صورت افزایش یک واحد میزان سابقه فعالیت توسعه کارآفرینی به اندازه $0/6$ درصد افزایش می‌یابد.



آگاهی و آشنایی با کارآفرینی از متغیرهای موثر بر احتمال توسعه کارآفرینی در سطح ۵ درصد می باشد. افراد با آگاهی و آشنایی با کارآفرینی از تخصص بهتری در این زمینه برخوردار می باشند و این خود باعث به کارگیری منابع و شیوه های جدید را منجر می شود. اثر نهایی برای این متغیر برابر با ۰/۰۵ می باشد که نشان می دهد یک واحد افزایش در متغیر آگاهی و آشنایی با کارآفرینی در شرایط ثبات سایر عوامل به ۰/۵ درصد افزایش در احتمال توسعه کارآفرینی منجر خواهد شد.

برگزاری کلاس های توسعه و مهارت اثر مثبت و معنی دار در سطح ۵ درصد بر روی احتمال توسعه کارآفرینی توسط کشاورزان داشته است. زیرا با افزایش برگزاری کلاس های توسعه و مهارت و برخورداری از آموزش های لازم در راستای مناسب از نهاده ها می توان خطر این کار را کاهش داد. به سخن دیگر با توجه به ستون اثر نهایی، افزایش برگزاری کلاس های توسعه و مهارت، نسبت احتمال توسعه کارآفرینی را ۰/۸ درصد افزایش می دهد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

باتوجه به اینکه بخش کشاورزی جذابیت چندانی برای سرمایه گذاران ندارد، این بخش عملاً با کمبود سرمایه روبرو بوده و قدرت رقابت با سایر بخش ها را ندارد. لذا ضروری است که به این موضوع به صورت بنیادی تری برخورد شود. برخوردهای مقطعی و سلیقه ای کارساز نیست و بایستی سیاست های کلان دولت در بخش کشاورزی تغییر نماید. از میان مهمترین اولویت های ویژگی های تعاونی کشاورزی کارآفرین، عامل داشتن حق مشارکت بالای اعضا در تصمیم گیری برای تعاونی بالاترین میزان اهمیت را دارا می باشد و نیز بهره گیری از فرصت های نو برای کسب درآمد بیشتر مهمترین ضرورت کارآفرین شدن تعاونی های کشاورزی است. شرکت های تعاونی می توانند از روش های مختلفی برای توسعه کارآفرینی برحسب شرایطی که در آن قرار دارند استفاده نمایند. تعاونی ها بایستی براساس محدودیت ها و امکاناتی که در هر زمان در اختیار دارند از روش مناسب استفاده نمایند.

در این مطالعه به عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی تعاونی های تولید پرداخته شد که در این راستا راهکارهای توسعه کارآفرینی در شرکت های تعاونی کشاورزی و سنجش کارآفرینی در شرکت های تعاونی کشاورزی نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. اطلاعات مربوطه از کشاورزان فارس در سال زراعی ۱۳۹۵ با استفاده از تکمیل ۳۰۰ پرسشنامه به دست آمده است. عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی ها با استفاده از الگوی لاجیت مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد که میزان سن، میزان تحصیلات، درآمد، تعداد سهام، تجربه قبلی در زمینه کارآفرینی، سابقه فعالیت در شرکت های تعاونی، آگاهی و آشنایی با کارآفرینی و برگزاری کلاس های توسعه و مهارت بر توسعه کارآفرینی تاثیر معنی داری دارند که از بین متغیرها به جز میزان سن که رابطه معکوس دارد سایر متغیرها رابطه مستقیم با توسعه کارآفرینی دارند.

پیشنهادات

۱. با توجه به اهمیت سن در توسعه یا عدم توسعه کارآفرینی، پیشنهاد می شود بیشتر افراد جوان که گرایش به سمت افزایش میزان توسعه کارآفرینی دارند، به عنوان عضو در تعاونی ها انتخاب شوند.
۲. تحصیلات همانند کاتالیزوری است که به سرعت باعث افزایش توسعه کارآفرینی تعاونی ها می شود. پیشنهاد می شود افراد تحصیل کرده و کارآفرین که دارای ایده های نوآورانه و محوری هستند، شناسایی و تشویق شوند و از تسهیلات ویژه برخوردار گردند. این امر هم می تواند سبب حمایت از این دسته افراد شود و هم منجر به تشویق سایر افراد و ایجاد رقابت در آن ها برای خلق نوآوری های جدید گردد.
۳. پیشنهاد می شود برای ایجاد یک شبکه بزرگ کارآفرینی در سطح استان، به ایجاد مراکز کارآفرینی در سطح استان و شهرستان ها برای معرفی کارآفرینان برتر، سهولت دسترسی به آنها و برقراری ارتباط میان افراد و شرکت ها اقدام شود.
۴. با توجه به اهمیت تجربه در زمینه کارآفرینی، پیشنهاد می شود آموزش اصول کارآفرینی و آنچه مربوط به آن می شود، در دسترس افراد کم تجربه قرار داده شود. برای پیدا کردن نقاط قوت و ضعف تعاونی ها در زمینه کارآفرینی، پیشنهاد می شود همایش هایی به صورت درون استانی و یا بین استانی در زمینه راه کارهای مختلف کارآفرینی برگزار شود.
۵. به منظور ایجاد نگرش مثبت تر در اعضای تعاونی ها نسبت به کارآفرینی با حمایت سازمان تعاونی برنامه بازدید اعضای تعاونی از کارآفرینی های موفق و فناوری های نوین مورد استفاده تعاونی و کشاورزان موفق را تدارک ببینند.

منابع

۱. احمدپور داریانی، م.، نیک بین، ح. و کریمی، ا. ۱۳۹۰، عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در شرکت های خدمات مشاوره ای فنی مهندسی کشاورزی استان زنجان، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۲(۴): ۵۴۶-۵۳۵.
۲. اعظمی، م.، بعقوبی فراهانی، ا.، موسوی، ع. و پیرمرادی، ا. ۱۳۹۳، توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی ها، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۱): ۱۸-۱.
۳. جمشیدی، ع.، جمینی، د.، قنبری، ی.، طوسی، ر. و پسرکلو، م. ۱۳۹۴، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی های تولید کشاورزی شهرستان مینودشت، مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۱۵(۱۵): ۲۱۸-۲۰۵.
۴. گل محمدی، ف. ۱۳۸۶، آموزش کارآفرینی و توسعه تعاونی ها در راهکار اشتغال زایی دانش آموختگان کشاورزی در شرایط جهانی شدن اقتصاد در ایران، جهاد، ۲۷۹: ۲۲۵-۱۹۴.



۵. مطبوعی لنگرودی، س.ج.، ؛ قدیری، م.، دادور خانی، م.، یداللهی فارسی، ف.، ترکاشوند، ج. و ترشکاوند، ز. ۱۳۹۱، تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی: بخش های زند و سامن شهرستان ملایر)، پژوهش های جغرافیای انسانی، ۸۰: ۱۳۸-۱۱۹.

۶. هرندی زاده، ا. ۱۳۸۹، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی های تولید کشاورزی استان اصفهان.

۶. Borch, O.J., Forsman, S. ۲۰۰۱. The Competitive Tools and Capabilities of Micro Firms in the Nordic Food Sector. Proceedings of NJF- Seminar No-۳۱۳, Jun ۲۰۰۰, Pp: ۳۳-۵۰.
۷. Damianos, D., and Skuras, D. ۱۹۹۶. Farm Business and the Development of Alternative Farm Enterprises: An Empirical Analysis in Greece, *Journal of Rural Studies*, ۱۲(۳): ۲۷۳-۲۸۴.
۸. Hisrich, Robert, B., Peters-Michael, P. ۲۰۰۲. Entrepreneurship. Tata MC raw grow-hill publishing company limited.